

گروه حوادث / مرد شرور که از نوجوانان در بوستان‌های شهر زورگیری و سرقت می‌کرد پس از دستگیری مدعی شد چون در کودکی مورد زورگیری قرار گرفته برای انتقام دست به این سرقت‌ها می‌زد است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل پسر نوجوانی به نام امیر با پلیس تماس گرفت و گفت: در پارک با دوستانم در حال بازی بودم که مرد جوانی به من نزدیک شد و به بهانه‌ای مرا به گوشه‌ای کشاند. او فیلمی را در تلفن همراهش نشان داد که یک دختر و پسر در حال حرف زدن بودند اما مرد ناشناس به من گفت که این پسر تو هستی و مزاحم دختر برادرم شده‌ای. هر چه توضیح دادم که اشتباه می‌کند و این فرد من نیستم و اصلاً برادرزاده او را نمی‌شناسم او اصرار داشت که من هستم و بعد هم شروع به کتک زدن من و ناسازگویی کرد. در حالی که سعی داشتم خودم را دستش نجات دهم او ناگهان گوشی

مرگ یک کارتن خواب در کانال آب کرج

گروه حوادث/ سه کارتن خواب که هنگام آبگیری و انتقال آب کرج به مشکین دشت داخل کانال گرفتار شده بودند در حالی بیرون کشیده شدند که یکی از آنها جان باخته بود.

محمدرضا فلاح‌نژاد، مدیر کل مدیریت بحران استانداری البرز در این باره به ایرنا گفت: این کارتن خواب‌ها به هنگام آبگیری و انتقال آب در داخل کانال بودند که بلافاصله امدادگران به کمک آنان شتافتند.

وی با تکذیب فوت سه نفر در کانال انتقال آب کرج به مشکین دشت در فضای مجازی گفت: با تلاش امدادگران ۲ مرد کارتن خواب در این کانال نجات داده شد.

شهرداری‌های کرج، فردیس و مشکین دشت بر اساس شرح وظایف خود در حال گشت‌زنی در اطراف این کانال بودند که پس از نجات ۲ کارتن خواب با جسد یک کارتن خواب دیگر مواجه شدند.

برخی شبکه‌های اجتماعی خبر از حادثه سقوط و مرگ سه نفر در کانال انتقال آب کرج به مشکین دشت داده شد که صحت ندارد.

تلفن همراهم را با زور از من گرفت و فرار کرد.

با شکایت پسر نوجوان تحقیقات برای سارق گوشی تلفن همراه آغاز شد و در ادامه مأموران با شکایت‌های مشابه دیگری مواجه شدند. طبق اظهارات شاکي‌ها که تمامی آنها پسران نوجوان بودند، زمانی که آنها در پارک بوده‌اند مردی ناشناس راه را بر آنان سد کرده و با نشان دادن یک فیلم و ترفند اینکه برای دختری از بستگانش ایجاد مزاحمت کرده‌اند، اقدام به سرقت گوشی تلفن همراه و پول‌های همراه آنها کرده بود.

بررسی‌ها برای دستگیری سارق جوان ادامه داشت تا اینکه امیر، پسر نوجوانی که چند روز قبل مورد ختگیری قرار

زورگیری از نوجوانان برای عقده‌کشایی

گرفته بود با پلیس تماس گرفت و گفت: همان مردی که مدتی قبل گوشی تلفن همراهم را سرقت کرده بود، امروز در پارک بود و دوباره با همان شیوه می‌خواست از من سرقت کند که شروع به سر صدا کردم. با سر و صدای من افرادی که در پارک بودند به کمک آمده و مانع فرار مرد جوان شدند.

به‌دنبال این تماس، مأموران راهی پارک مورد نظر شده و متهم و دوستانش را دستگیر کردند. در تحقیقات و بازجویی از متهم، وی گفت: زمانی که پسر کوچکی بودم، در یکی از پارک‌های شهر مردی مرا با زور به گوشه‌ای از پارک کشاند و کتک زد بعد هم هر چه پول به همراه داشتم و دوچرخه‌ام را سرقت کرد، او مرا خیلی

پلیس پایتخت در تعقیب ۲ قاتل فراری

گروه حوادث/ قتل زن میانسال در خانه‌اش و درگیری خونین بین دو جوان در جنوب تهران دو جنایتی بود که در پایتخت رقم خورد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، نخستین جنایت ساعت ۶:۳۰ عصر سه‌شنبه ۱۶ردیبهشت از سوی مأموران کلانتری ۱۶۰ خزانه به بازپرس ساسان غلامی اعلام و مشخص شد زن میانسالی در خانه‌اش به قتل رسیده است.

به دنبال اعلام این خبر، بازپرس کشیک قتل دادرسی امور جنایی پایتخت به همراه تیم بررسی صحنه جرم راهی محل حادثه که طبقه دوم خانه‌ای قدیمی بود، شدند. جسد زن میانسال در راه‌های طبقه دوم که به پشت‌بام منتهی می‌شد، زیر مقدار زیادی وسیله مخفی شده بود.

با توجه به آثار کبودی روی گردن مقتول، پزشکی قانونی علت قتل را خفگی اعلام کرد و این در حالی بود که از زمان مرگ چند ساعتی می‌گذشت. بررسی‌ها نشان می‌داد که مقتول دو پسر ۱۷ و ۱۸ساله و یک دختر ۱۴ساله

دارد که فرزندانش در زمان جنایت خانه نبودند. از سویی شوهر مقتول نیز در کارواش کار می‌کرده و بیشتر مواقع برای ناهار به خانه می‌آمده است.

یکی از فرزندان مقتول در تحقیقات گفت: حدود ساعت ۴عصر بود که به خانه آمدم، طبقه اول خانه‌ای که در آن ساکن هستیم تولیدی لباس است و ما در طبقه دوم زندگی می‌کنیم. وقتی به خانه آمدم، هر چه مادرم را صدا زدم کسی جواب نداد. از آنجا که او هر وقت می‌خواست از خانه بیرون برود به ما خبر می‌داد، نبودنش در خانه برایمان عجیب بود. از زن جوانی که صاحب تولیدی بود سراغ مادرم را گرفتم اما او مدعی شد که بی‌خبر است.

دختر مقتول ادامه داد: دوباره به طبقه بالا رفته و این بار شماره تلفن همراه مادرم را گرفتم. صدای زنگ تلفن را از راه‌پله‌هایی که منتهی به پشت‌بام می‌شد شنیدیم، خودمان را به آنجا رساندیم اما از مادرم خبری نبود فقط صدای زنگ تلفن‌ش را می‌شنیدیم، خوب که دقت کردیم متوجه شدیم که صدا از زیر

دومین جنایت ساعت ۱۲شب

■ پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۱

■ سال بیست و هشتم

■ شماره ۷۸۹۷



که از من سرقت شد از نوجوانان سرقت کنم. نمی‌دانم شاید با این کار می‌خواستم انتقام بگیرم و عقده کوچکی ام را با این روش فراموش کنم. با اظهارات متهم، تحقیقات در رابطه تصمیم گرفتند که همان شیوه‌ای با شناسایی سایر شاکی‌ها ادامه دارد.

افسردگی و مشکلات روحی شدم حتی ترک تحصیل کردم و بعد هم دوستی با افراد ناباب مرا باور نکردند.

او ادامه داد: در تمام این مدت به دنبال مردی بودم که مرا آذیت کرد، به خاطر آسیبی که او به من رساند، دچار

۱۹

۱۶ردیبهشت، از سوی مأموران کلانتری ۱۴۹ امامزاده حسن به بازپرس ساسان غلامی اعلام شد. وقتی تیم جنایی به محل حادثه رفتند در بررسی مشخص شد پسر جوانی پس از درگیری با هم‌محل‌های خود به قتل رسیده است. مأموران به تحقیق از دوست قاتل پرسیدم اما از آنجایی که آنها همیشه باهم اختلاف و درگیری داشتند، توجهی نکردم.

در تحقیقات صورت گرفته، مشخص شد که همسر مقتول بعد از اینکه ظهر از کارواش به خانه آمده دیگر به محل کارش برنگشته است. با توجه به اختلافات قدیمی که آنها باهم داشتند و از آنجایی که بررسی‌ها نشان می‌داد جنایت از سوی فردی آشنا رخ داده است، احتمال همسرکشی مطرح شد. به دستور بازپرس شعبه سوم دادرسی امور جنایی تهران، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات برای دستگیری همسر مقتول ادامه دارد.

■ **درگیری مرگبار خیابانی**
دومین جنایت ساعت ۱۲شب

حوادث

طلاق به خاطر ارب پدرزن

گروه حوادث/ هوای خنک صبح و نسیم ملایمی که عصر ااقفی‌ها و گل‌های بهاری را در فضا پراکنده می‌کرد هنوز جای خود را به گرمای نیم‌روزی و دود ناشی از ترافیک خودروها نداده بود. پیاده روها کم‌کم از حضور رهگذرانی پر می‌شد که بی‌توجه به صدای گنجشک‌ها و عطر شامه‌نواز گل‌ها هر یک با عجله به دنبال کاری روانه بودند. در این میان محوطه دادگاه خانواده نیز شاهد از دحام مردان و زنانی بود که به خیال خودشان به آخر خط زندگی مشترک رسیده بودند.

در طبقه اول دادگاه زوج جوانی ایستاده بودند که با دیدن سرو وضع‌شان تصور می‌کردی برای حضور در یک مراسم عروسی آمده‌اند. دختر جوان که بسیار شیک و امروزی بود ناگهان شروع به فریاد زدن کرد و گفت: تو مرا به خاطر پول خواستی وگرنه دوست داشتن و عشق و عاشقی دروغ بود. همسرش با صدایی آهسته از او خواست آرام باشد و مدام می‌گفت مرسته جان آرام باش آبروی‌م رفت اما دختر جوان بی‌توجه به صحبت‌های همسرش مدام گریه می‌کرد و می‌گفت: تو به من دروغ گفتی تو به خاطر اینکه من ارثیه پدری‌ام را نگرفتم کتکم زدی من دیگه نمی‌توانم با تو زندگی کنم همه این مشکلات هم به خاطر مادرت است که مدام تو را تحریک می‌کند.

پسر جوان گفت: اگر من گفتم ارب پدری‌ات را بگیر چون حقت است باید بگیري. در حالی که بگومگو بین زوج جوان ادامه داشت، مدیر دفتر قاضی‌ا اتاق بیرون آمد و با صدای بلند اعلام کرد شماره پرونده... که ساعت ۹ و نیم جلسه رسیدگی داشتن به دفتر اعلام حضور کنند...

قاضی در حال مطالعه پرونده بود و به محض ورود، مرسته روی صندلی نشست و با بغض گفت: آقای قاضی مادر شوهرم می‌خواهد زندگی ما را به هم بزند آنها دنبال پول پدر من بودند این آقا که همسر من است در کمال ناباوری و بی‌حرمتی در حالی که هنوز یک ماه از فوت پدر من نگذشته به خاطر حرف مادرش مرا کتک زده که برو از ارثیه پدری‌ات را بگیر. بعد چنان هق‌هق کنان زیر گریه زد که حالش بد شد. قاضی با نگاهی به مرسته و حال روحی او گفت: دخترم فکر کنم حالت خوب نیست عصی ناراحت هستی آرام باش و اجازه بده از همسرت سؤال کنم که ماجرا چیست؟

قاضی رو به محسن کرد و گفت توضیح بده ببینم چه اتفاقی افتاده؟ محسن هم نفس عمیقی کشید و گفت حاج آقا من و خانمم فامیل هستیم برخلاف برخی جوانان امروزی ما هر روش سنتی ازدواج کردیم. چون مرسته دختر خوب و خوش اخلاقی بود، با هم به تفاهم رسیدیم اما بعد از ازدواج فهمیدم او بسیار حساس و زودرنج است.

جناب قاضی من الان وضعیت مالی خوبی ندارم وقتی پدر مرسته فوت کرد چون وضع مالی خوبی داشت فکر کردم حالا که یک ماه از فوتش گذشته او می‌تواند با گرفتن ارثیه‌اش کمکی به وضعیت زندگی ما کند. اما بعد از گفتن این حرف او شروع به داد و فریاد کرد و حالا هم برای طلاق آمده است. در همین لحظه زن جوان با ناراحتی گفت: محسن لطفاً ساکت باش اصلاً به تو چه ربطی داره که راجع به مسائل خصوصی من و خانواده‌ام تصمیم‌گیری می‌کنی البته می‌دانم تو خودت چنین شخصیتی نداری مادرت به تو یاد داده است. در دوران عقد هم یکی دو بار مادرش حرف‌هایی زده و باعث دعوی من و محسن شده بود ولی من توجه نکرده بودم محسن اصلاً مرد زندگی نیست هر چه مادرش می‌گوید بدون چون و چرا قبول می‌کند. محسن گفت: آقای قاضی من اشتباه کردم الان هم از همسرم عذرخواهی واز او خواهش می‌کنم مرا ببخشد و سر خانه و زندگی‌مان برگردیم.

مرسته با ناراحتی گفت: در این یک سال گذشته متوجه شدم تو هن بین هستی و هر چه مادرت بگوید، همان است.

مرد جوان که با شنیدن این حرف صعبانی شده بود گفت: این قدر پای مادر مرا وسط نکش مادرم هیچ دخالتی در زندگی ما نکرده است اتفاقاً آنقدری که مادر و خواهرم خانواده‌ات در زندگی ما دخالت می‌کنند مادر من هم هر وقت چنین کاری نکرده است. آقای قاضی من هر وقت از سر کار آمدم همسرم خانه مادر وخاله‌اش بود حاج آقا من چیکار کنم باکی درد دل کند مجبور بودم برم خونه مادرم و با اون حرف بزنم.

پس از چند دقیقه‌ای قاضی رو به محسن کرد و گفت: عزیزان من چرا این قدر درگیر مسائل حاشیه‌ای هستیم همین‌ا اول زندگی چرازندگی رونبدیل به میدان جنگ کرده‌ام مرسته که اشک‌های صورتش را پاک کرده بود با نگاهی به حلقه درون دستش گفت حاج آقا من زندگی‌ام را دوست دارم شوهرم را دوست دارم اما به شرطی که با من کنار بیاید و دیگر به حرف‌های مادرش و دخالت‌های او توجه نکند. با شنیدن این حرف مرد جوان ناگهان از جای خود بلند شد و گفت: تو همین و بی احترامی هم می‌داری حالا که این جور ی شد تو باید با من کنار بیایی. اصلاً به جای اینکه ماهی چند میلیون تومان اجاره خانه بدهیم، به خانه مادرم می‌رویم و در آپارتمان طبقه بالای خانه آنها زندگی می‌کنیم وگرنه ملاقت می‌دهم. همین حرف‌ها باعث شد دوباره جنجال و تنش بین مرسته و محسن بالا بگیرد. قاضی که با این رفتارها متوجه عمق فاجعه در زندگی مشترک زوج جوان شده بود، گفت: به جای این لجبازی‌های بیچه‌گانه ۲ ماه مستمر به واحد مشاوره بروید اگر مشکل‌تان حل نشد و نظر مشاور خانواده هم بر جدایی بود آن وقت حکم طلاق را صادر می‌کنم فعلاً بیایید این صورتجلسه را امضا کنید نوبت رسیدگی بعدی است.

■ **مهرسین صبوری کارشناس حوزه خانواده**

این روزها دخالت‌های بی‌جای اطرافیان، نبود بلوغ کافی برای ازدواج و استقلال مالی و شخصیتی باعث شده زوج‌های جوان خیلی زود به طلاق رو بیآورند. در این پرونده مشاهده می‌کنید این زوج جوان به جای اینکه خودشان مشکلات‌شان را حل کنند، پای دیگران را به زندگی مشترک باز کردند که این بزرگ‌ترین اشتباه آنها بوده است. همچنین محسن نباید چشمش به دنبال دارایی پدر مرسته باشد چرا که این یک موضوع کاملاً شخصی است او باید بداند در زندگی مشترک فقط باید با همسرش مشورت کند و به نظر و خواسته او احترام بگذارد نه اینکه هر چه مادرش بگوید بدون تفکر ویی چون و چرا بپذیرد و در مقابل مرسته هم باید برای زندگی مشترک خودش بیشتر وقت بگذارد و اولویت خود را زندگی مشترک بداند و با عشق زندگی را حفظ کند.

محسن و مرسته و دیگر زوج‌های جوان باید بدانند که راجع‌به مسائل خصوصی زندگی مشترک ابتدا خود زوجین باید تصمیم‌گیری کنند و در صورتی که نتوانستند تصمیم مناسبی بگیرند از یک مشاور خانواده کمک گرفته و در آخر با خانواده‌ها مشورت واز آنها فقط نظر مشورתי بخواهند از طرفی باید بدانند بحث و توهین، اوضاع زندگی زناشویی را خراب‌تر می‌کند.

حوادث جهان

۱۱ کشته در مراسم حمل مجسمه هندوها

برخورد ارابه حامل مجسمه خدای هندو با سیم برق در هند منجر به مرگ ۱۱ نفر از جمله دو کودک شد.



به گزارش خبرگزاری صداوسیما، از اهلی دلهلی نو، این حادثه صبح چهارشنبه در ناحیه تانجاوور در ایالت تامیل نادر در جنوب هند در حالی رخ داد که در مراسم راهپیمایی هندوها که سالانه برگزار می‌شود و هزاران نفر از هندوهای منطقه در این مراسم شرکت می‌کنند ناگهان مجسمه روی ارابه یک معبد هندو با یک کابل انتقال برق برخورد کرد و اثر اثر اتصالی برق یازده نفر جان باختند و یازنده نفر دیگر نیز زخمی شدند. پلیس اعلام کرد در بین جانباختگان دو کودک به چشم می‌خورد. زخمی‌ها به بیمارستان انتقال داده شده‌اند.